

اگر نگرش ها تغییر نکند میزان باروری باز هم کاهش خواهد یافت

دکتر شهلا کاظمی پور

تاریخ: ۲۳ بهمن ۱۳۹۰ - ۱۶:۱۳

کد خبر: ۳۸۳۰

دکتر شهلا کاظمی پور دارای مدرک دکترای جامعه شناسی از دانشگاه تهران، دانشیار و معاون پژوهشی مرکز مطالعات و پژوهش های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه است، این استاد دانشگاه که پژوهش های بسیاری در حوزه جمعیت شناسی انجام داده است، فرصتی را به سایت مهرخانه اختصاص داد، تا سئوالات ما را در خصوص کاهش میزان باروری در ایران از منظر جمعیت شناسی پاسخ دهد.

خانم دکتر در حال حاضر هرم جمعیتی کشور ایران چگونه است؟

هرم سنی جمعیت ایران در دهه اول انقلاب مثلثی شکل و با قاعده ای وسیع بود، بعد از اعمال سیاست تحدید موالید قاعده هرم جمع شد، در حال حاضر در سنین ۲۰ تا ۳۴ سال متورم است و قاعده هرم در حال جمع شدن است؛ یعنی از یک جمعیت جوان وارد یک جمعیت میانسال می شویم و اگر این روند ادامه پیدا کند، پس از سی سال کشوری سالخورده خواهیم داشت و جمعیت سالخوردها در ایران افزایش پیدا می کند. در حال حاضر ۷٪ جمعیت ایران سالخورده بوده و حدود ۲۵٪ زیر ۱۵ سال هستند ولی به مرور زمان این روند در حال تغییر است، ما یک اصطلاحی داریم که آنرا با عنوان پنجره جمعیتی عنوان می نمائیم که حاکی از آن است که در دهه جاری و دهه آینده نسبت جمعیت در سن کار و فعالیت، به بالاترین میزان در تاریخ جمعیتی کشور خواهد رسید و کشورهایی که درصد بیشتر جمعیتشان بین ۱۵-۶۴ سال باشد جمعیتی است که بیشترین نیروی فعالیت را دارند و در مرحله شکوفایی قرار دارند و اگر این گروه سنی در الگوی اشتغال تام قرار گیرند، بالاترین بازده اقتصادی را خواهند داشت.

در حال حاضر آمارها نشان می دهد ۷۰٪ جمعیت ایران در این گروه سنی قرار دارند؛ یعنی فعال هستند و اگر ما بتوانیم از این دوران به نحو احسن استفاده کنیم و با بکارگیری این افراد در الگوی اشتغال تام یعنی اشتغالی که بازدهی داشته باشد؛ می تواند به جهت کثرت نیروی انسانی یک پنجره جمعیتی برای ایرانیان محسوب شود.

اگر ما بتوانیم بخش صنعتان را تقویت کنیم، و توسعه بخش خدمات نیز در اختیار صنعت باشد واز این جمعیتی که در سن فعالیت هستند به نحو احسن بهره برداری کنیم، به رشد و شکوفایی اقتصادی خواهیم رسید؛ چنانچه در کشورهای آسیای جنوب شرقی از این فرصت استفاده کردند و رشد اقتصادی بالا را به دست آورده اند.

همانطور که اشاره کردید قاعده هرم در حال جمع شدن است و تلاشی برای جایگزینی جمعیت صورت نمی گیرد، به نظرتان علت کاهش میزان باروری در ایران چیست؟

کاهش باروری در ایران از اواخر دهه ۶۰ آغاز شد، پس از اعمال سیاست های جمعیتی مانند عدم امتیازدهی به فرزندان چهارم توسط دولت تا حدی باروری کاهش یافت؛ اما تاثیر آن تا آن میزان نبوده است که بتواند تولد ۶ و ۷ فرزند را به ۲ فرزند برساند، در حال حاضر نرخ باروری کل در ایران کمتر از ۸/۱ فرزند است و اگر به ۱/۲ فرزند برسد جمعیت جایگزین می شود یا به عبارتی رشد جمعیت صفر می شود. به اعتقاد ما، افزایش

شهرنشینی، بالارفتن میزان سواد، اشتغال بیشتر خارج از خانه زنان از عواملی است که جامعه را به سمت کاهش باروری سوق می دهد و نکته دیگر اینکه باروری در ایران به یک همگرایی رسیده است و بین قومیت های مختلف این کاهش مشهود است، طبق بررسی هایی که انجام داده ایم در ایران کاهش میانگین تعداد فرزندان برای همه استانها و همه اقشار اتفاق افتاده است. این روند در گذشته به این شکل بود که يك خانواده كم سواد 8 بچه داشت و خانواده باسواد 3 يا 4 فرزند. ولي الان برای همه پایین آمده است، در سیستان بلوچستان آن زمانی که همه در ایران 6 يا 7 بچه داشتند تعداد کل فرزندان بالای 9 بود، ولی اکنون این استان نیز به یک نسبت کاهش زاد و ولد داشته است و ما در ایران در این زمینه باروری به یک همگرایی رسیده ایم.

شما بحث توسعه فرهنگی در تحول باروری را مطرح کرده اید، این مسئله چه تاثیری در جمعیت ایران داشته است؟

توسعه فرهنگی ملاک های متفاوتی دارد که مهمترین آن بحث آموزش است، گسترش دانشگاه ها به خصوص دانشگاه آزاد که در اقصی نقاط ایران شعبه دارد، باروری را کاهش داده چراکه به ارتقای سطح فرهنگ کمک کرده و طرز فکر افراد را تغییر داده است، در نتیجه باروری کاهش پیدا می کند و ساختمان سنی جمعیت ایران به دلیل کاهش باروری در حال متحول شدن است.

حذف کتاب تنظیم خانواده یکی از سیاست هایی است که قرار است جهت کثرت جمعیت اعمال شود، فکر می کنید تا چه اندازه می تواند ساختار جمعیتی ایران را تغییر دهد؟

حذف کتاب تنظیم خانواده بحثی نیست که مطرح باشد، این کتاب قرار است مورد تجدید نظر قرار گیرد. البته می بایست اشاره نمود که منظور از تنظیم خانواده صرفاً بحث تحدید موالید نیست، بحث تنظیم خانواده یعنی تاکید بر روی مسئله برنامه ریزی خانواده و بهداشت باروری.

در گذشته نیز جمعیت و توسعه تدریس می شد و با کمک دانشجویان آحاد جامعه از تحولات جمعیتی آگاهی پیدا می کردند، اساساً آگاهی افراد باعث شده باروری کاهش پیدا کند و در حال حاضر باید بحث سلامت افراد مطرح شود، هر چه جمعیت سالم داشته باشیم بهتر می توانیم رشد کنیم، با تاکید بر اینکه جمعیتی که در سن میانسالی است بتواند خودش را سالم حفظ کند و فرزندان سالم از نظر جسمی، روحی روانی و اجتماعی تحویل جامعه دهد بهتر است. این کتاب برای یک جامعه پویا تدوین می شود که در آن بیشتر بحث کیان خانواده مطرح است.

شما در یکی از پژوهش هایتان بحث تجرد قطعی را مورد بررسی قرار دادید، فکر می کنید تا چه اندازه بر کاهش جمعیت تاثیر گذار باشد؟

در همه جوامع بحث تجرد قطعی وجود دارد، در گذشته نیز این مسئله وجود داشت؛ در ایران نسبت آن 2 درصد بوده است این موضوع هم ناشی از عدم تمایل برخی از افراد به ازدواج به وجود می آمد و هم مشکلاتی که از نظر جسمی روحی گریبانگیر برخی از افراد می شد.

وقتی بحث تحول در ساختار جمعیتی به وجود آمد و با توجه به سن ازدواج در ایران که تفاوت بین سن ازدواج دختر و پسر 4 یا 5 سال بود و الان به 3 سال کاهش پیدا کرده است، دخترانی که در دهه 60 به دنیا آمدند باید با پسران متولد شده دهه 50 یا 55 ازدواج می کردند در نتیجه تعادل بین تعداد مجردین دختر و پسر به هم خورد، و تعداد دختران بیشتر از پسران شد، اما مسئله اینجاست که در جامعه ما باید مردان از زنان برای ازدواج بزرگتر باشند پس بنابراین پسرانی که مثلاً سنشان 25 سال است با دختران 30 ساله ازدواج نمی کنند و در اینجا بحث تجرد قطعی مطرح می شود که از 2 درصد به 5 تا 7 درصد رسیده است و البته بعدها به تعدیل خواهد رسید؛ در نتیجه ممکن است يك تعداد از دخترانی که خودشان به دلایلی ازدواج نکرده اند، مجرد باقی بمانند و تجرد بیشتر هم به کاهش باروری خواهد انجامید.

در ده سال آینده این وضع برعکس می شود یعنی همان پسرانی که در اوایل دهه 60 به دنیا آمده بودند با دخترانی که در اوایل دهه 70 به دنیا آمده اند، ازدواج می کنند و قاعده هرم به خاطر تقلیل موالید جمع می شود تعداد پسرها بیشتر می شود، در ده سال آینده دختران کمتری با پسران بیشتری می توانند ازدواج کنند. یعنی در دهه آینده تعداد پسران متقاضی ازدواج بیش از دختران خواهد بود.

امروزه سن ازدواج در پسران و دختران افزایش یافته است، این افزایش چه تاثیری بر ساختار جمعیتی می گذارد؟

زمانی که ضریب توسعه اجتماعی بالا می رود بحث تحصیلات زنان نیز افزایش می یابد. پیش از این، زنان ما یا بیسواد بودند و یا در مقطع ابتدایی و متوسطه سواد داشتند، اما امروز این میزان افزایش پیدا کرده است، در دانشگاه ها بالغ بر 60% از پذیرفته شدگان را زنان تشکیل می دهند و سن ازدواج برای کسب این آگاهی ها بالا رفته است، البته این افزایش سن ازدواج در مورد زنان بیشتر نمود پیدا کرده است. علت اینجاست که در گذشته سن ازدواج زنان بسیار پایین بوده است، افزایش سن ازدواج در بیشتر جوامع از عوامل کاهش باروری است و در برخی از کشورها یکی از سیاست های کاهش باروری به تاخیر انداختن سن ازدواج است، در این سال ها مشارکت اجتماعی زنان افزایش پیدا کرده و مقوله اوقات فراغت و وسایل ارتباط جمعی افزایش پیدا کرده است. در کشور ما نیز همانطور که می بینید افراد باسواد دیرتر ازدواج می کنند، در شهرها سن ازدواج بالاتر از روستاهاست و این مسئله باعث کاهش باروری می شود، دختری که 15 سالگی ازدواج می کند تا 30 سال بعد می تواند بچه دار شود اما کسی که 25 سالگی ازدواج می کند تنها 20 سال فرصت مادر شدن دارد، در صورتی که وقتی زنان با تحصیلات و آگاهی بیشتری ازدواج می کنند می توانند فرزندان را بهتر تربیت کنند. در چنین شرایطی آنها قادرند بر روی تعداد و زمان تولد فرزندان خود نیز دقت و برنامه ریزی داشته باشند. حتی انتخاب همسرانشان آگاهانه است.

از نظر شما که یک کارشناس جمعیت شناسی هستید، مهمترین مشکل جمعیتی کشور ما چیست؟

در حال حاضر مهمترین مشکل جمعیتی در ایران، جوانی بیش از حد جمعیت در دهه 60 و 70 است که دولت را مجبور به تامین هزینه های سنگین برای آن ها کرد، ما در آن دوران با مدارس سه شیفته، افت تحصیلی، مهاجرت های روستاییان به شهرها مواجه بودیم و اکنون جوانانی که در دهه اول انقلاب متولد شده اند؛ در حال حاضر متقاضی ازدواج هستند اما امکانات ازدواج را ندارند. یکی از عوامل تاخیر در ازدواج عدم دسترسی به امکاناتی چون مسکن، اشتغال، اوقات فراغت و ... است، هرچند این مسائل صرفاً جمعیتی نیست و از جمله مسائل اجتماعی است اما ناشی از تغییر در ساختار جمعیت است، در آینده نیز اگر فکری به حال همین جمعیتی که در اوج شکوفایی هستند نکنیم، با مشکل سالخوردگی جمعیت مواجه خواهیم شد.

راهکار شما برای برون رفت از رشد منفی جمعیت چیست؟

در حال حاضر رشد جمعیت ما 1/25 درصد است و 30 سال طول می کشد تا به رشد صفر برسیم و تمام بحث ما بر سر این مسئله است که بتوانیم رشد جمعیت را در وضعیت بین صفر تا 0.5 درصد ثابت نگه داریم که مستلزم این است که میزان باروری کل در کشور به 1/2 فرزند برسد. در حال حاضر نرخ باروری کل کمتر از 1/8 فرزند است و ما می توانیم با تغییراتی در سن ازدواج و تغییراتی در نگرش خانواده هایی که تک فرزند دارند، این مشکل حل کنیم.

پدیده کم فرزندی نیز پدیده ای رایج شده است، دلایل آن هم به توسعه یافتگی و شهر نشینی باز می گردد. خانواده ها گرایش فراوانی به کیفیت آموزش فرزندان خود دارند. البته در گذشته خانواده ها توانایی فراهم نمودن زندگی کیفی برای فرزندان را نداشتند اما تعداد فرزندان بیشتر بود. البته در این چند سال کیفیت

فرزندان اهمیت ویژه ای پیدا کرده است. این اصل گرایش خانواده ها به کم فرزندی را تشکیل می دهد. بحث تنظیم خانواده مسئله ای است که باید وجود داشته باشد؛ چراکه یکی از بندهای حقوق بشر است و هر زنی می بایست به وسایل پیشگیری از بارداری دسترسی داشته باشد، ولی اینکه تعداد فرزندان را چگونه تنظیم کند و آیا واقعا جامعه تک فرزندی خوب است قضیه اجتماعی است که ما باید خانواده ها را به سوی تعادل سوق دهیم تا از رشد منفی جمعیت جلوگیری شود.